

## **A Comparative Sociocultural Analysis of the Folkloric Tale of Sheikh San'Aan in Kurdish and Persian Narratives from a Cultural Anthropological Perspective [In Persian]**

**Farhad Kake Rash <sup>1\*</sup>, Nasrin Rookesh <sup>2</sup>**

1. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities Literature, Mahabad Branch, Islamic Azad University, Mahabad, Iran
2. Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities Literature, Mahabad Branch, Islamic Azad University, Mahabad, Iran

**\*Corresponding author:** farhad\_kakarash@yahoo.com

*Received: 31 Mar, 2022      Revised: 09 Sep, 2022      Accepted: 08 Jan, 2023*

### **ABSTRACT**

In conjunction with other research methods, cultural anthropology is employed to investigate social and cultural transformations. It involves examining the ideological aspects of texts and speeches and the vocabulary and elements that imbue them with meaning. The selection and usage of specific words and phrases in proverbs reflect people's perspectives, attitudes, and thoughts toward various events, phenomena, situations, and social issues. In orally transmitted stories, the geographical and environmental culture of the narrator and the primary storyteller, whether known or anonymous, play a pivotal role in shaping the narrative's structure. This article compares two versions of the Sheikh San'Aan story (the Kurdish narrative by Mam Ahmad Lotfi Mahabadi and the Persian narrative by Attar) from a cultural anthropological standpoint to explore the cultural similarities and differences between the two works. The analysis reveals that both narratives feature Sheikh San'Aan and his daughter as the main characters, with disciples playing subordinate roles. Customs and traditions are mentioned in both works; however, a distinction lies in the presence of a character named Hazrat Ghaws, rooted in mystical and regional beliefs concerning spiritual leaders. The role of the father figure is also significant, reflecting the influence of fathers on the institution of the family and patriarchy, particularly evident in the Kurdish narrative where the Christian daughter introduces herself and Sheikh to her father. Both narratives contain customs related to Christianity, which Sheikh San'Aan must adhere to for conversion. Nevertheless, there are variations in customs and traditions between the Kurdish and Persian narratives, such as the Khanqah ceremony and wedding rituals. Clothing is another cultural element featured in both works, described as Kurdish attire in the Kurdish narrative and Sufi clothing in the Persian narrative due to its literary nature.

**Keywords:** Sociology of Language, Cultural Anthropology, Narrative Studies, Kurdish Sheikh San'Aan, Persian Sheikh San'Aan, Attar, Mam Ahmad Lotfi.

## تحلیل جامعه شناختی داستان فولکلوریک شیخ صنعان از منظر مردم شناسی فرهنگی؛ مقایسه دو روایت کُردی و فارسی

فرهاد کاکه رش<sup>۱</sup>، نسرين روکش<sup>۲</sup>

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات علوم انسانی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران

۲. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات علوم انسانی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران

\*نویسنده مسئول مقاله Email: farhad\_kakarash@yahoo.com

پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۸۸

اصلاح: ۱۴۰۱/۶/۸۸

دریافت: ۱۴۰۱/۱/۸۱

### چکیده

مردم شناسی فرهنگی رویکردی است که در کنار سایر شیوه ها، برای بررسی تغییرات اجتماعی و فرهنگی بکار گرفته می شود و واژگان عناصری هستند که بار ایدئولوژیک یک متن و گفتار را بر دوش دارند و آن را دارای معنا می کنند. انتخاب، کاربرد لغات و واژگان خاص در ضرب المثلها، بازتاب دیدگاه و نگرش مردم نسبت به اتفاقات، پدیده ها، اوضاع، مسائل اجتماعی و افکار آنان است. در داستانهایی که از گذشتگان توسط راویان نقل می شود هم از موضع جغرافیایی و فرهنگ زیست محیطی راوی و هم فرهنگ گوینده ی اصلی داستان چه مجهول و چه معلوم در شکل گیری و ساختار داستان نقش اساسی و مهمی ایفا می شود. مقاله حاضر با هدف مقایسه دو روایت از شیخ صنعان (روایت کُردی، به روایت مام احمد لطفی مهابادی و روایت فارسی، به روایت عطار) پرداخته، و برای تبیین اشتراکات و افتراقات فرهنگی، دو اثر را از منظر مردم شناسی فرهنگی مقایسه می کند. برخی از نتایج حاکی از آن است: در هر دو منظومه، شخصیت های شیخ صنعان و دختر به عنوان شخصیت اصلی، و مریدان و مرید خاص در نقش فرعی وجود دارند. در هر دو اثر از آداب و رسوم صحبت به میان آمده است. تفاوتی که در مورد شخصیت های داستان شیخ صنعان به روایت عطار و روایت مام احمد لطفی وجود دارد، حضور شخصیتی به نام حضرت غوث است. حضور حضرت غوث ریشه در اعتقادات عرفانی و عقاید مردم منطقه به مشایخ دارد. از دیگر شخصیت ها، شخصیت پدر است. تأثیر پدر بر نهاد خانواده و پدرسالاری در داستان شیخ صنعان به روایت کُردی، کاملاً آشکار است. زیرا دختر ترسا موضوع خودش و شیخ را اولین بار برای پدرش تعریف می کند. برخی از آداب و رسوم ها که مربوط به دین مسیحیت است در هر دو اثر وجود دارد و شیخ صنعان برای گرویدن به دین ترسایی باید انجام دهد. اما تفاوت هایی از آداب و رسوم در

شیخ صنعان به روایت‌گردی وجود دارند از جمله آن می‌توان به مراسم خانقاهی و مراسم ازدواج اشاره کرد. از دیگر مؤلفه‌های فرهنگی هر دو اثر البسه و پوشاک است. با این تفاوت که در داستان به روایت عطار به دلیل نوع ادبی بودن آن، اشاره به لباس صوفیان دارد ولی در داستان به روایت‌گردی، بیت‌بیژ در توصیف دختر از نوع پوشش لباس کردی بهره برده است.

**واژگان کلیدی:** جامعه‌شناسی زبان، مردم‌شناسی فرهنگی، مطالعات روایی، شیخ صنعان کردی، شیخ صنعان فارسی، عطار، مام‌احمد لطفی

## ۱. مقدمه

ادبیات تطبیقی رویکردی نسبتاً جدید در دنیای ادبیات است که به کشف زمینه‌های همدلی و هم‌اندیشی آفرینندگان آثار ادبی و هنری سرزمین‌های مختلفی کمک می‌کند. رویکرد دیدگاه‌های مختلف ادبیات تطبیقی هر چه باشد، نتیجه کار یکسان است و آن نزدیکی ملل و اقوام گوناگون و تفاهم ادبی و فرهنگی آنها خواهد بود. یکی از انواع ادبیات تطبیقی می‌تواند بررسی مردم‌شناسی آثار باشد. مردم‌شناسی از جمله علوم اجتماعی عام است که به علم مطالعه زندگی انسان در مراحل ابتدایی تعریف شده است و جنبه‌های گوناگون انسان‌شناسی و فرهنگ‌شناسی را مورد توجه قرار می‌دهد. مردم‌شناسی به عنوان علم در قرون ۱۹ و ۲۰ بعد از ظهور انقلاب صنعتی در اروپا به وجود آمد و راه ترقی و تعالی را پیمود. «البته پیش از ظهور مردم‌شناسی به عنوان یک علم، مورخان و سیاحان و فیلسوفان درباره مختصات طبیعی و سلوک اجتماعی و فرهنگی اقوام گوناگون به تأملاتی نظری دست یازیده‌اند و آثاری بس ارجمند پدید آورده‌اند که بیش از دو هزار سال همواره مورد استفاده و مراجعه اصحاب تحقیق قرار گرفته است (گاربارینو، ۱۳۷۷: ۷).

یکی از آثار مهم فارسی که در فرهنگ‌های مختلف به زبان‌های گوناگون دیده می‌شود «شیخ صنعان» است. این اثر به زبان‌های زنده دنیا ترجمه و بازنویسی شده است از جمله «گارسن دوطاسی در سال ۱۸۵۵ داستان شیخ صنعان را مستقلاً به زبان فرانسه، ترجمه و شرح کرده، س. ث. نوت منطق‌الطیر را از روی ترجمه فرانسوی گارسن دوطاسی به زبان انگلیسی ترجمه کرده، بارون اریک هرملین از روی متن فرانسه در سال ۱۹۲۹ به زبان سوئدی ترجمه کرده، ترجمه‌ای منظوم از داستان شیخ صنعان به زبان ترکی، توسط امری انجام گرفته، شرح داستان شیخ صنعان، توسط شمعی به زبان ترکی، امیر علی‌شیر نوایی به زبان ترکی جغتایی، عبدالسلام حیدری از روی متن فارسی به زبان کردی به نظم در آورده، علی‌محمد روشن به لهجه کردی گورانی و یک روایت کردی سورانی از مام احمد لطفی که توسط آقای قادر فتاحی قاضی ضبط و ثبت و منتشر شده است» (فیضی‌زاده، ۱۳۶۵: ۹۹-۹۵). که نسخه ضبط و ثبت شده آقای فتاحی قاضی منبع مورد تحقیق نگارنده است. بنابراین در این مقاله که با هدف تطبیقی مردم‌شناسی شیخ صنعان عطار و

شیخ صنعان کُردی به روایت مام احمد لطفی فراهم آمده است، به شباهت و تفاوت‌های ساختاری و سایر مؤلفه‌های فرهنگی این دو روایت پرداخته شده است و از روش توصیفی - تطبیقی استفاده کرده است و می‌خواهد به این سؤال‌ها پاسخ دهد که ۱- تفاوت و شباهت‌های این دو اثر کدامند؟ ۲- آیا فرهنگ باعث تغییر ساختار یا محتوای این اثر شده است؟

پیشینه تحقیق: از مقالات و پایان‌نامه‌هایی که در ارتباط با این موضوع یافت شدند، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: مقاله‌ای با عنوان «روایت کردی داستان شیخ صنعان و مقایسه آن با روایت عطار نیشابوری» توسط دانشجویان، آرمان حسینی آباریکی و منصور نوروزی مستعلی انجام گرفته و در سال ۱۳۹۳ در دو فصلنامه آینه میراث شماره ۵۵ به چاپ رسیده است. در این مقاله نگارندگان کوشیده‌اند، ضمن توضیحاتی درباره شخصیت شیخ صنعان و دقایق زندگی او، سیمای او را در ادبیات کُردی بررسی کنند. در ادامه مقاله معرفی نسخه‌های خطی این داستان آمده و در پایان نیز منظومه شیخ صنعان کُردی گورانی با روایت عطار مقایسه شده است تا میزان تأثیرپذیری از روایت عطار مشخص شود.

پایان‌نامه‌ای با عنوان «مقایسه داستان شیخ صنعان به روایت عطار و روایت کردی فقه طبران» برای دریافت درجه کارشناسی ارشد توسط دانشجو عثمان آجی در دانشگاه آزاد مهاباد در سال ۱۳۹۴ انجام گرفته است. در این پایان‌نامه سعی شده است سبک عطار و فقه طبران در منظومه شیخ صنعان مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند.

## ۲- خلاصه داستان شیخ صنعان به روایت عطار (به نثر روان)

شیخ صنعان پیر بزرگ عصر خویش، صاحب کرامت، ریاضت و عبادت، کمال و پیشوای مردم زمان خویش بود و پنجاه سال در کعبه اقامت داشت و پنجاه بار حج رفته و کاملاً مقید به سنت و آداب شریعت اسلامی یعنی عرفان عابدانه بود. از قضای اتفاق، شیخ چندین شب در خواب‌های پریشان دید که در روم بربتی سجده می‌کند. بالاخره برای تحقق و تعبیر خواب، راه دشوار رفتن را با مریدان در میان گذاشت. یاران در سفر با وی همراه گشتند و به خاک روم قدم گذاشتند و همه‌جا سیر می‌کردند تا ناگهان در ایوانی دختر ترسائی دیدند چون آفتاب درخشان، چون نقاب سیاه از چهره بر گرفت آتش به جان شیخ انداخت و عشقش حتی ایمان و عافیت وی را به تاراج برد و رسوائی خرید. روزها شیخ معتکف کوی یار شد و پند و تهدید و ترغیب دوستان و دشمنان و حتی دختر ترسا کارساز نبود و شیخ چهار شرط دختر ترسا را قبول کرد: پیش بت سجده کردن، قرآن را سوزاندن، خمر نوشیدن و چشم از ایمان بر بستن. شیخ صنعان برای ازدواج با دختر ترسا شرط یک سال تمام خوکبانی را هم پذیرفت. پس از بازگشت مریدان و با اشاره یکی از مریدان بزرگ شیخ همگی به سوی روم برگشته و معتکف درگاه حق بوده و تیر دعایشان به هدف رسد و با اشارت سردار

عارفان-رسول اکرم ص-شیخ گمراه از بند نفس رها شد و به دین و عرفانش بازگشت. در این لحظات به دختر ترسا در خواب الهام شد: «بشتاب و از پی شیخ روان شو» این الهام آتشی در جان دختر افکند و در طلب بی‌قرارش کرد و دنبال شیخ روان و دوان شد و هرچند: شیخ او را عرضه اسلام داد و غلغلی در جمله یاران فتاد؛ اما وصال محقق نگشت و دختر ترسا طاقت فراق یار و چنین قفس دنیایی را نیاورد و با عذرخواهی از شیخ، مرگ اختیاری را برگزید و به فانی حقیقت پیوست.

این داستان در منطق الطیر با هدف اثبات و ترجیح و تعبیر عرفان عاشقانه، حول محور سه خواب می‌چرخد: خواب شیخ که در روم بتی را سجده می‌کند؛ خواب مرید پاکباز و دستگیری رسول اکرم ص و در نهایت خواب دختر ترسا که نوری در کنارش افتاده و باید بسویش روان شود و از وصال عشق خبری نیست بلکه عشق مجازی به فنا می‌انجامد. داستان آغاز و انجامی کاملاً عرفانی دارد. قهرمان اصلی شیخ صنعان، دختر ترسا و مرید پاکباز و دستگیری پیامبر اکرم ص است.

### ۳- خلاصه ترجمه‌ی داستان شیخ صنعان کردی به روایت مام احمد لطفی

شیخ صنعان، یکی از شیوخ بزرگ زمانه‌ی خویش، صاحب قدرت و مریدان زیادی بود. وقتی که عارف معروف، شیخ عبدالقادر غوث گیلانی برای اولین بار به بغداد رفت تمام شیوخ منطقه او را به ریاست شیخ الشیوخی پذیرفتند، به جز شیخ صنعان که خود را مقدم بر وی دانست و پایه و مقام خود را بالاتر از وی می‌دانست. (فتاحی قاضی، ۱۳۴۶: ۴۱)

به همین دلیل غوث گیلانی، شیخ صنعان را نفرین کرد و ضلالت و گمراهی وی را از درگاه خداوند خواستار شد. بین حضرت غوث و شیخ صنعان نزاع پیدا شد. به دعای بد غوث و کرامت و همت وی، دختر فتنه‌انگیز و آشوبگر شاهرخ شاه- پادشاه فرنگ- هر روز به صورت مرغی زیبا بر شیخ صنعان ظاهر می‌شد و سپس به صورت انسان در می‌آمد. بعد از این که این ماجرا چند بار تکرار شد، شیخ سودا زده و فریفته‌ی دختر شد. شیخ که همواره به ذکر و دف و قرآن بود، در ره جانان همه را باخت و ترک خانقا و نماز کرد و تسبیح و سجاده را دور انداخت.

شیخ حال و اوضاع خویش را برای مریدان تعریف کرد و با توصیفات زیبایی دختر ترسا، گرویدن خود به دین ترسا را اعلام کرد و با دست کشیدن از مریدان و خانقا و سجاده و دف و ذکر و از دست دادن ایمان در نهایت عشق خود به دختر ترسا، به جرگه ترسایان پیوست و سوزاندن قرآن، زنا ربستن، خوردن شراب و خوک وانی را برگزید و تلاش و زاری مریدان برای بازگشت شیخ بی‌ثمر ماند.

دختر ترسا به شیخ قول داد که کشتی‌ای را برایش بفرستد که وی را به فرنگستان بیاورد. شیخ قبول کرد که به فرنگستان برود. شیخ با مریدان اتمام حجت کرد و در انتظار رسیدن کشتی به لب

دریا رفت. شیخ سوار بر کشتی به دیار معشوق فرنگستان رفت. شاه به همراه وزیران برای استقبال از شیخ صنعان به کنار دریا آمدند. شاه به شیخ صنعان گفت به شرطی که دست از ایمان برداری دخترم را به تو می‌دهم. شیخ با قبول کردن شرایط در آنجا زنار بست و شراب نوشید و به خوک-چرانی پرداخت.

دو نفر از مریدان وفادار و با ایمان شیخ صنعان، خود را به درگاه غوث رساندند و دو سال بی‌مزد و منت در حضورش خدمت کردند. مریدان شیخ صنعان گفتند حضرت شیخ نیک می‌داند که ما چرا به این درگاه آمده‌ایم و چه می‌خواهیم. اکنون که شیخ صنعان به این حال و روز افتاده است تمناداریم از درگاه خدا برای نجات شیخ دعا کنی.

بالاخره غوث برای نجات شیخ صنعان دعای خیر کرد. مریدان را گفت به کنار دریا بروید و به ذکر و دف‌زدن بپردازید. شیخ صنعان صدای شما را می‌شنود. دلش آگاه می‌شود و به دین اسلام برمی‌گردد.

مریدان به کنار دریا رفتند و حلقه ذکر بستند. شیخ صنعان صدای مریدان را شنید. زنار را دور انداخت و به کنار دریا شتافت. شهادتین را خواند و شیطان را نفرین کرد.

دختر شاه‌رخ شاه که آن روز برای گردش به کنار دریا آمده بود، وقتی حال شیخ صنعان را دید، طوفانی در دلش برخاست و نور ایمان در دلش تابیدن گرفت. او نیز بالاپوش خود را بر آب انداخت و گفت: «یا خدای شیخ صنعان!!». آن بالاپوش به صورت کشتی درآمد و دختر بر آن نشست تا به نزدیک شیخ صنعان و مریدان رسید. دختر ایمان آورد و مسلمان شد. همگی به حضور غوث گیلانی رفتند. شیخ صنعان از غوث طلب بخشایش کرد. حضرت او را بخشید و دختر را نیز به عقد وی درآورد. (مام احمدلطفی ۱۳۶۲-۱۲۷۵) در روستای کهریز محمودآباد بوکان متولد شده و پس از مدتی به مهاباد کوچ کرده و تا آخر عمر در مهاباد زیسته است. لطفی از بیت خوانان و حکایت دانان و داستان‌گویی‌های معروف و محبوب در تاریخ شفاهی ادبیات کوردی است. یکی از راویان معروف و ناظم ادب کوردی است که بیش از بیست داستان بلند شفاهی کوردی به نظم خاص (بیت و حیران) از گنجینه‌ی ادب عامیانه ازوی مضبوط و به جامانده و نقش بزرگی در حفظ و احیای این بخش ادب عامیانه کوردی و ایرانی داشته است).

### ۱-۳. شخصیت‌ها در شیخ صنعان فارسی و کُردی

در داستان شیخ صنعان عطار، شخصیت‌های اصلی شیخ صنعان، دختر ترسا و مریدان هستند. همچنین شخصیت‌های فرعی، یک مرید خاص و پیامبر نیز وجود دارند. اما در منظومه شیخ صنعان کُردی، علاوه بر سه شخصیت اصلی منظومه عطار، شخصیت اصلی دیگری به نام حضرت غوث (شیخ عبدالقادر گیلانی، پایه‌گذار طریقت قادریه است. دارای لقب‌های دیگری نیز است

تحلیل جامعه‌شناختی داستان فولکلوریک شیخ صنعان از منظر مردم‌شناسی فرهنگی...

مانند «غوٲ الثقلین»، «شیخ کل»، و «شیخ مشرق». ولی در در گُردستان او را «غوٲ گیلانی» می‌نامند (توکلی، ۱۳۹۵: ۱۴۷/۸). اضافه می‌شود. همچنین شخصیت‌های فرعی، پدر دختر که نقش پررنگی در تصمیم‌گیری دارد به صحنه می‌آید و یک مرید خاص از شیخ عطار تبدیل به دو مرید خاص می‌شود. نقش پیامبر در منظومه عطار به همان شیخ عبدالقادر گیلانی واگذار می‌شود.

### ۲-۳. آداب و رسوم

در شیخ صنعان عطار بیشتر مربوط به آداب و رسوم خانقاهی مانند داشتن مریدان است. در داستان شیخ صنعان در همه روایت‌های مختلف آن نقش چند تن از مریدان پاکباز آشکار است که در بازیابی حیات معنوی شیخ نقش مهمی ایفا کرده‌اند. دو مرید جانباز برای شیخ را سرنمون دل‌درفشان تعبیر کرده‌اند (آتش سودا، ۱۳۹۱) و دیگر مریدان سرنمون ازلی نقاب‌اند که شیفته شخصیت مقدس آب شیخ‌اند و پس از گرویدن شیخ به طرف دختر وی را رهامی‌کنند. (همان، ۲۰: ۱۳۹۱) در روایت لطفی هم دو نفر از مریدان پاکباز در پی شفای حال و برگشت شیخ صنعان ریاضت‌های و رنج‌ها بر خود تحمل کرده‌اند.

شیخ بود او در حرم پنجاه سال      با مریدی چارصد صاحب کمال  
(عطار، ۱۳۸۳: ۱۲۸)

و در همان اوایل داستان با توجه به سیر آن تبدیل به آداب و رسوم مسیحیت می‌شود. مانند زَنّار (بستن کمر بند مسیحیان) در بیت:

هر که دل در زلفِ آن دلدار بست      از خیالِ زلفِ او زَنّار بست  
(عطار، ۱۳۸۳: ۱۲۹)

در این ابیات نیز به خوکوانی (عطار، ۱۳۸۳: ۱۳۸)، (همان)، (همان: ۱۴۰) اشاره شده است. گفت کابین را کنون ای ناتمام      خوکوانی کن مراسالی مدام  
(عطار، ۱۳۸۳: ۱۳۶)

رفت پیرِ کعبه و شیخ کبار      خوکوانی کرد سالی اختیار  
(همان: ۱۳۶)



همچنین: خوکوانی (عطار، ۱۳۸۳: ۱۳۸)، (همان)، (همان: ۱۴۰)

در شیخ صنعان کردی آداب و رسوم بیشتری مشاهده می‌شود از جمله آداب و رسوم عرفانی که بیشتر به آداب محلی و خانقاهی کردستان اشاره شده است. یکی از این آداب و رسوم، آداب بین مرید و شیخ: در تصوف کردستان رابطه‌ای بس عمیق بین مرید و مرشد است، به گونه‌ای که گاهی اوقات مرید در راه پیر و به دست آوردن خواسته‌هایش از هیچ کوششی دریغ نمی‌کند. حتی دیده شده مریدی سالهای سال در درگاه شیخ خود خدمت به جا آورده و در صورت فوت شیخ طریقت وی را ادامه داده و توسل به هیچ شیخ دیگری را قبول نمی‌کند. مواردی که از این آداب صحبت می‌کنند عبارتند از: مریدیک هات له دوی، کوتی: ...

ذکر و سبحان کرده‌ایم      الحمد لله و ربنا هم گفته‌ایم  
قامت و تمام ارکان را هم انجام داده‌ایم      چرا شیخ در میان اینان پیدا نیست؟

و یا موقعی که شیخ ماجرای عاشق شدنش به دختر ترسا را برای مریدان بازگو کرد. همگی نگران حال شیخ شدند و او را تنها نگذاشتند و تا خانه همراهیش کردند تا شاید بتواند درد او را علاج کنند:

ترجمه: مریدان او را همراهی کردند، گفتند حتماً بلایی بر سرش آمده، شاید او را علاجی بکنیم.

به رمال: «سجاده»، (شرف‌کندی، ۱۳۷۶: ذیل مدخل «به‌رمال»).

برمال به دلیل اینکه وسیله نمازگزار هست و بر آن نماز می‌خواند و در مساجد همواره در صحن مسجد پهن شده‌اند، جایگاه خاصی دارد. گاهی به علت تبرک و تقدس بر روی جسد کسانی که می‌میرند برمال می‌اندازند. اما در داستان شیخ صنعان می‌بینیم که شیخ برای به دست آوردن دختر ترسا پشت پا به این مقدسات هم می‌زند و حاضر است برای به دست آوردنش دف و سجاده را هم کنار بگذارد

از دیگر مراسم صوفیانه در خانقاهای کردستان به رمال به شاندن است، یعنی «سجاده به شانه انداختن»،

شیخ همیشه سجاده بر شانه‌هایش بود. (همان: ۷۹)

یکی دیگر از مراسم عرفانی در بین پیروان طریقت در خانقاها «دف‌زنی» است. دف‌زنی از مراسم مخصوصی است که توسط صوفیان و دراویش در مکانی به نام خانقا و تکیه و علی-

تحلیل جامعه‌شناختی داستان فولکلوریک شیخ صنعان از منظر مردم‌شناسی فرهنگی...

الخصوص در شبهای جمعه و سه‌شنبه انجام می‌گیرد. مثلاً در این بند به مراسم دف‌زنی اشاره شده است.

شیخی در صنعان بود / به دف و ذکر و قرآن مشغول بود (همان: ۴۲)  
دف زنی: از دیگر مراسم عرفانی که مریدان در خانقا انجام می‌دهند برگزاری مراسم ذکر است. «ذکر درویش قادریه بر دو نوع است: یکی در حال نشسته، که به آن «تهلیل» می‌گویند و دیگری ایستاده که به آن ذکر هَرَه (قیام) گفته می‌شود» (توکلی، ۱۳۹۵: ۲۱۵). مریدی به دنبال او آمد، گفت: ذکر و سبّاح کرده‌ایم گاهی این مراسم به صورت دایره وار صورت می‌گیرد که به آن حلقه ذکر می‌گویند.

پچنه قه‌راغ ده‌ریایه، نالّقه‌ی زیکرئ بگرن. (همان: ۷۹)  
ترجمه: به کنار دریا بروید، حلقه ذکر بگیرید.  
نکته قابل توجه اینکه از این مراسم عرفانی در شیخ صنعان عطار نیامده است.  
از آداب و رسوم مسیحیان که در شیخ صنعان عطار آمده بود در این اثر نیز حضور دارند، مانند، زُتار بستن که در شش بند به آن اشاره شده است.  
ترجمه: پادشاهی بود، پادشاه فرنگ، بسیار مقتدر نامش شاه‌رخ شاه بود. دختری داشت که زُتار به پشت می‌بست. (همان: ۴۱)

|                          |                        |
|--------------------------|------------------------|
| قرآن را در آتش می‌سوزانم | دف را پاره پاره می‌کنم |
| زُتار به پشت می‌بندم     | به خاطر چشم یار        |

خوکبانی از دیگر مراسمی است که به آن اشاره شده است.

ترجمه: خوب از دنیا فهمیدی  
باید بیایی نزد پدرم شبانی بکنی  
مسلمانی را ترک کنی  
و خوکبانی کنی (همان: ۵۵)  
و یا در این بند:  
ترجمه: میل داری به ناز معشوق بررسی  
بر سر دلخواه بیایی  
باید به خوک‌چرانی بروی. (همان: ۵۵)

و همچنین:

من ایمان تو را می‌خرم / باید خوکبان شوی (همان: ۵۶)

### ۳-۳. آداب و رسوم ازدواج

اساسی‌ترین رکن هر جامعه خانواده است، که با ازدواج تشکیل می‌گردد و با اشکال مختلف و ویژگی‌های خاصی اداره می‌شوند. آداب و رسوم، معیارهای ازدواج و مراحل آن در بین ملت‌ها و اقوام مختلف به شکل‌های متفاوتی برگزار می‌گردد. در بین ملت‌گردد ازدواج دختر با اجازه و حضورش در مجلس عقد صورت می‌گیرد و در صورت نداشتن پدر این مسئولیت به برادر بزرگ دختر موکول می‌شود. به همین دلیل در شیخ صنعان گردی حضور شخصیت پدر در داستان به دلیل فرهنگ پدرسالاری در میان‌گردان است. دختر ماجرای خود و شیخ را برای پدرش تعریف می‌کند و ازدواج دختر با شیخ با اجازه پدر است. در بند ۹۰ این موضوع را چنین بیان می‌کند:

دختره پیش پدرش رفت، گفت: من دچار آزاری شده‌ام. تمام ماجرا را برایش تعریف کرد. (فتاحی قاضی، ۱۳۴۶: ۶۷)

### ۳-۴. البسه و منسوجات

لباس یکی از ضروریات زندگی است. در جوامع مختلف بشری، پوشاک و لباس و رنگ آن همواره بیان‌کننده بسیاری از مشخصات اجتماعی و جایگاه اشخاص در جامعه بوده است. حتی از طریق لباس و رنگ و طرح آن می‌توان به پاره‌ای از خصوصیات درونی فرد نیز پی برد. (هاشمی، ۱۳۸۰: ۱۱۹).

در داستان شیخ صنعان فارسی لباس‌ها به سه دسته لباس زنانه، لباس صوفیان و سایر لباس تقسیم می‌کنیم.

در مورد لباس زنانه، در بیت زیر به برقع اشاره شده است.

برقع: «قطعه‌ای پارچه که زنان صورت خود را بدان پوشانند؛ روی‌بند، روبند، نقاب» (معین، ۱۳۸۲: ذیل مدخل «برقع»).

|                               |                              |
|-------------------------------|------------------------------|
| گوهری خورشید فش در موی داشت   | برقعی شَعَرِ سیه بر روی داشت |
| دختر ترسا چو برقع بر گرفت     | بند بند شیخ آتش گرفت         |
| چون نمود از زیر برقع روی خویش | بست صد زُنارش از یک موی خویش |

(عطار، ۱۳۸۳: ۱۲۹)

#### لباس صوفیان

خرقه: «جامه‌ای که از قطعات مختلف دوخته شود، جبه درویشان که آستر آن پوست گوسفند یا خز و سنجاب است» (معین، ۱۳۸۲: ذیل مدخل «خرقه»).

عشق ازین بسیار کرده‌ست و کند خرقه با زَنار کرده‌ست و کند  
(عطار، ۱۳۸۳: ۱۳۶)

ردا: «جامه‌ای که روی جامه‌های دیگر پوشند؛ جبه، بالاپوش» (معین، ۱۳۸۲: ذیل  
مدخل «خرقه»).

ور نخواهی اینجا اقتدا خیزرو، اینک عصا اینک ردا  
(عطار، ۱۳۸۳: ۱۳۵)

در منظومه شیخ صنعان گردی نیز از لباس و پوشش بحث شده به خصوص بیت‌بیژ در توصیف  
دختر به زیبایی و هنرمندانه به لباس اصیل زنان کرد اشاره کرده است، که عبارتند از  
سر پوش:

- چارشیتو: «چادر زنانه» (شرف‌کندی، ۱۳۷۶: ذیل مدخل «چارشیتو»). ، «بالاپوشی که از بالای  
سر پوشیده می‌شود، جلو آن باز است و دو لبه آن را که کنار هم قرار می‌گیرد با دست می‌گیرند.  
قسمت دامن آن را گرد می‌کنند و یک دوخت از وسط عرض آن دوخته می‌شود. از پارچه‌های  
متفاوتی مانند: کریپ، حریر، گل ابریشم و... دوخته می‌شود» (ترجمه نگارنده از پایانیانی،  
۱۳۹۳: ذیل مدخل «چارشیتو»).

به او می‌گویم چادرت را کنار بزن / قول درست و حسابی به من نمی‌دهد (فتاحی قاضی،  
۱۳۴۶: ۵۴)

و در بند ۱۳۰:

چادرش را بر آب دریا افکند، برای او کشتی شد و بر آن سوار شد (همان: ۸۰)  
- ده‌سمال: «پارچه‌ای سه‌گوش بزرگ که سه قسمت دارد: دنباله، میانه و تکه کوچک در وسط  
میانه. بر روی پیراهن و قبا و کلاه می‌پوشند که بر روی شانه‌ها مرتب می‌کنند و دنباله آن را در عقب  
گرم می‌زنند» (ترجمه نگارنده از پایانیانی، ۱۳۹۳: ذیل مدخل «ده‌سمال»).

به عمر او چهارده سال است / لچک و چارقُدش چند شیرین است (فتاحی قاضی، ۱۳۴۶: ۴۸)  
- له‌چکه: روسری، نوعی پوشش سر که زنان از آن استفاده می‌کنند. به شکل و اندازه‌های  
متفاوت و در طرح‌های گوناگونی در بازار وجود دارند. معمولاً دختران و زنان جوان، روسری‌های  
کوچک و نازک و زنان میان‌سال روسری‌های بزرگ و ضخیم به سر می‌کنند.  
به عمر او چهارده سال است / لچک و چارقُدش چند شیرین است

## ۳-۵. موقعیت جغرافیایی و اقلیمی

شیخ عطار نیشابوری در روایت داستان شیخ صنعان، از اماکن و سرزمین‌هایی یاد می‌کند که هر کدام به گونه‌ای دارای اهمیت خاصی هستند. مثلاً؛ کعبه سرزمین امن الهی، محل زندگی و اقامت و قبله شیخ بوده که نزدیک به پنجاه سال در آنجا اقامت داشته است.

می‌شدند از کعبه تا اقصای روم طوف می‌کردند سر تا پای روم  
(عطار، ۱۳۸۳: ۱۲۸)

در شیخ صنعان کُردی با توجه به حضور شیخ عبدالقادر گیلانی از بغداد به عنوان اقامتگاه او نام می‌برد.

ترجمه: اول بار حضرت غوث اگر به بغداد رفت، گفت: من رئیس اولیا هستم. (فتاحی قاضی، ۱۳۴۶: ۴۱).

بعد شیخ صنعان را بر خلاف عطار از شهر صنعان می‌داند.

شیخی در شهر صنعان بود / برنامه دف و ذکر و قرآنش همیشه برپا بود (همان: ۴۲)  
و در جایی او را در طایف مقیم می‌داند.

شیخ به شهر طایف برگشت، او اهل طایف بود. (فتاحی قاضی، ۱۳۴۶: ۴۱)

مسئله بعدی در شیخ صنعان کردی تغییر نام «روم» به «فرنگ» است.

ترجمه: پادشاهی بود، پادشاه فرنگ، اسمش شاهرخ بود. (همان: ۴۲)

## ۴. جمع‌بندی داده‌ها در جدول

توصیف فوق برای رسیدن به تحلیل مناسب، در داخل جدول زیر آمده است.

| مؤلفه‌های فرهنگی | شباهت                                                                       | تفاوت                                                                           |
|------------------|-----------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------|
| شخصیت            | شخصیت‌های، شیخ صنعان، دختر ترسا، مریدان و مرید خاص در هر دو اثر وجود دارند. | در شیخ صنعان عطار شخصیت پیامبر<br>در شیخ صنعان امام احمد لطفی<br>حضرت غوث و پدر |
| زیورآلات         | -----                                                                       | در شیخ صنعان امام احمد لطفی<br>زیورآلات وجود دارد ولی در شیخ                    |

تحلیل جامعه شناختی داستان فولکلوریک شیخ صنعان از منظر مردم شناسی فرهنگی...

|                                                                                                             |                                                |              |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------|--------------|
| صنعان عطار وجود ندارد.                                                                                      |                                                |              |
| در شیخ صنعان مام احمد لطفی علاوه بر آداب و رسوم مسیحیت، آداب و رسوم عرفانی و خانقاهی، ازدواج نیز وجود دارد. | در هر دو داستان آداب و رسوم مسیحیت وجود دارد.  | آداب رسوم    |
| در داستان مام احمد لطفی بیشتر به توصیف لباس زنان گرد پرداخته است.                                           | در هر دو داستان از پوشاک و البسه صحبت شده است. | لباس و پوشاک |

### نتیجه گیری

شباهت‌ها: در هر دو منظومه شخصیت‌های شیخ صنعان و دختر به عنوان شخصیت اصلی و مریدان و مرید خاص در نقش فرعی وجود دارند. در هر دو اثر از آداب و رسوم صحبت به میان آمده است.

تفاوت‌ها:

۱- تفاوتی که در مورد شخصیت‌های داستان شیخ صنعان عطار و مام احمد لطفی وجود دارد. یکی حضور شخصیتی به نام حضرت غوث است. حضرت شیخ عبدالقادر گیلانی هم در شروع داستان و هم در پایانش نقش محوری دارد. این که بیت بیژ به بازآفرینی دست زده دلیلش می‌تواند این باشد که خواسته افکار، آداب و رسوم و عقاید منطقه خودش را در روایت دخیل بکند. این کار هم عمدی نیست و ناخودآگاه است، حضور حضرت غوث ریشه در اعتقادات عرفانی و عقاید مردم منطقه به مشایخ دارد با توجه به اینکه راوی در دوره معاصر این بیت را روایت کرده، وجود اعتقادات صوفی‌گری و عرفانی در منطقه در تغییر و بازآفرینی داستان از طریق بیت بیژ تأثیر گذاشته است. شخصیت دیگر پدر است. تأثیر پدر بر نهاد خانواده و پدرسالاری در داستان شیخ صنعان گردی کاملاً آشکار است. زیرا دختر ترسا موضوع خودش و شیخ را اولین بار برای پدرش تعریف می‌کند. این موضوع ریشه در فرهنگ کردی و باورهای عمیق به آداب و رسوم آنان دارد. که خواستگاری و مراحل مختلف آن حتماً باید پدر رضایت داشته باشد و ازدواج دختر با اجازه پدر است.

۳- یک سری از آداب و رسوم «مانند زنار بستن، می‌خواری، خوکوانی و مصحف سوزاندن» که مربوط به دین مسیحیت است در هر دو اثر وجود دارد و شیخ صنعان برای برگشتن از دین اسلام و

گرویدن به دین ترسایی باید انجام دهد. اما تفاوت‌هایی از آداب و رسوم در شیخ صنعان گردی وجود دارند که قابل تأمل هستند. یکی مراسم خانقاهی مربوط به منطقه کردستان است مانند «مراسم دف‌زنی، ذکر دراویش، حلقه‌های ذکر». چون بیت شیخ صنعان یک بیت عرفانی است. از مراسم عرفانی خانقاهی در آن وجود دارند. دیگری مراسم ازدواج است. در بین ملت کرد و حاکم‌شدن فرهنگ پدرسالاری ازدواج دختر با اجازه پدر است. در منظومه گردی شیخ صنعان هم دختر موضوع خودش و شیخ را برای پدر تعریف می‌کند. پدر هم با مطرح کردن درخواست‌هایش و در صورت انجام آن‌ها از طرف شیخ به این ازدواج رضایت می‌دهد.

۴- از دیگر مؤلفه‌های فرهنگی البسه و پوشاک است. در بررسی‌های انجام گرفته در هر دو اثر شاعران از لباس و پوشش گفته‌اند. با این تفاوت که در داستان عطار به دلیل نوع ادبی بودن آن، اشاره به لباس صوفیان دارد ولی در داستان گردی بیت‌بیز در توصیف دختر از نوع پوشش لباس کردی بهره برده است.

### منابع و مآخذ

- توکلی، محمد رنوف (۱۳۹۵)، تاریخ تصوّف در کردستان، چاپ سوم، تهران: انتشارات توکلی.
- شرف‌کندی، عبدالرحمن (۱۳۷۶)، هه‌نبانه‌بورینه، فرهنگ کردی - فارسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سروش.
- عطار، فریدالدین (۱۳۸۳)، منطق‌الطیر، شرح محمد رضا شفیعی کدکنی، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.
- فانی، سادات، کامران، محمد علی (۱۳۹۳)، دانشنامه دانش‌گستر، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانش‌گستر.
- فتّاحی قاضی، قادر (۱۳۴۶)، منظومه گردی شیخ صنعان، تبریز: انتشارات دانشکده ادبیات تبریز.
- فیضی‌زاده، طه (۱۳۶۵)، درباره داستان عارفانه شیخ صنعان، تبریز: انتشارات افست تابش.
- گاربارینو، مروین (۱۳۷۷)، نظریه‌های مردم‌شناسی، ترجمه عباس محمدی اصل، تهران: انتشارات آوای نور.
- معین، محمد (۱۳۸۲)، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات بهزاد.
- ندوی، ابوالحسن (۱۳۸۲)، آشنایی با شخصیت و افکار امام عبدالقادر گیلانی، مترجم عبدالعزیز سلیمی، چاپ دوم، تهران: انتشارات احسان.

**Acknowledgements**

We would like to express our thanks to reviewers for their valuable suggestions on an earlier version of this paper.

**Declaration of Conflicting Interests**

The author(s) declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship and/or publication of this article.

**Funding**

The author(s) received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

**REFERENCES**

- Attar, F., (2013), *Manteg Al-Tayir*, the description of Mohammad Reza Shafi'i Kodkani, 1<sup>th</sup> edition, Tehran: Sokhon Publications.
- Faizizadeh, T., (1986), *About the mystical story of Sheikh Sanan*, Tabriz: Offset Tabash Publications.
- Fani, S., Kamran, M., (2013), *Danesh-Gostar Encyclopedia*, 2<sup>th</sup> edition, Tehran: Danesh-Gostar Publications.
- Fattahi Ghazi, Q., (1967), *Sheikh Sanan's Kurdish poetry*, Tabriz: Publications of Tabriz Faculty of Literature.
- Garbarino, M., (1998), *Theories of anthropology*, translated by Abbas Mohammadi Asl, Tehran: Avai Noor Publications.
- Moin, M., (2003), *Farhang Farsi*, Tehran: Behzad Publications.
- Nadavi, A., (2012), *Know the personality and thoughts of Imam Abdul Qadir Gilani*, translated by Abdul Aziz Salimi, 2<sup>th</sup> edition, Tehran: Ehsan Publications.
- Sharafkandi, A., (1997), *Ha-Nbaneh-Burina, Farhang Kurdish-Persian*, 2<sup>th</sup> edition, Tehran: Soroush Publications.
- Tawakli, M., (2015), *History of Sufism in Kurdistan*, 3<sup>th</sup> edition, Tehran: Tawakli Publications.